فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی
سال دوم، شماره ۸، زمستان ۱۳۹۳، صفحات ۸۲-۶۳

امکان استفاده از نهاد وقف در تجاری‌سازی دانش و فناوری و الگوی پیشنهادی آن

زهرا سادات میرهاشمی
استادیار گروه فقه و حقوق دانشگاه الزهرا (س) (نویسنده مسئول)
z.mirhashemi@yahoo.com

محمد سرهنگیان
کارشناس‌ارشد شیمی فیزیک
moh.sarhangian@yahoo.com

سنت حسنه وقف پشتوانه اقتصادی اهداف بلند انسانی است. هر چند در گذشته میان نهاد وقف و دانش و فناوری در قالب‌هایی مانند وقف مدارس علمی پیوند عمیقی وجود داشت، اما امروز می‌توان یکی از جلوه‌های برقراری تناسب میان اهداف وقف با پیشرفت‌های علمی روز را در استفاده از وقف در جهت تجاری‌سازی دانش و فناوری معرفی نمود، به این معنا که واقف برای استفاده از عین موقوفه را در مسیر تجاری‌سازی دانش و فناوری تعیین کند و از این ظرفیت بالقوه برای رشد و تعالی جامعه و کمک به توسعه اقتصادی از طریق فراهم آوردن بسترهای تبدیل دانش به کالای مورد نیاز جامعه گام برداشت. چنین وقفی به‌طور کلی و در صورت عدم نقض سایر مسائلی که رعایت آن در شرع و قانون الزامی می‌باشد منافاتی با هیچ‌یک از شرایط اساسی صحت وقف در فقه شیعه و حقوق ایران ندارد. علاوه بر این، این وقف به‌دلیل تنوع صورت‌هایی که برای آن متصور است و آثار متعدد اقتصادی و اجتماعی که دارد می‌تواند سلایق خیرین متعددی را تأمین نموده و با فرهنگ‌سازی و ارائه الگویی جامع آنها را به امر وقف در جهت تجاری‌سازی تشویق کند و با شرایط ویژه‌ای که از آن برخوردار است زمینه جدیدی را در جهت احیای سنت حسنه وقف و در پی آن تحقق تعاون اجتماعی و عدالت اجتماعی فراهم آورد.

طبقه‌بندی JEL: Z10.
واژه‌های کلیدی: وقف، تجاری‌سازی، دانش، فناوری، فقه، حقوق.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۱۰

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-24]

۱. مقدمه

در اسلام یکی از راه‌های تحقق بخشیدن به اهداف خیرخواهانه وقف است. نهادی که گسترش آن از یک سو سبب تعدیل و توزیع ثروت و از سوی دیگر موجب از بین رفتن نیازهای فرهنگی و اجتماعی موجود در جامعه می‌گردد و می‌توان ادعا نمود سنت حسنه وقف پشتوانه اقتصادی اهداف بلند انسانی است که در طول تاریخ با توجه به سطح زندگی مردم برای رشد فرهنگ و دانش بشری تأثیر بسیاری داشته است، زیرا وقف سابقه دیرینه در تاریخ تمدن بشر دارد و تنها مخصوص اسلام و فقه و حقوق کشورهای اسلامی و ایران نیست و نهادهای مشابه آن در تمام ادیان و حقوق سایر کشورها[۱] مشاهده می‌شود.[۲]

در طول تاریخ اسلام اغلب اینگونه بوده است که مردم نیکوکار بخشی از اموال و مستغلات خود مانند زمین، خانه، باغ و غیره را از مالکیت خود خارج و منافع آن را برای اهداف خیرخواهانه متناسب با نیازهای جامعه اختصاص می‌دادند. تأسیس بیمارستان‌ها، مدارس علمی، مراکز فرهنگی و مساجد بر اساس وقف بیانگر این ادعاست.

با گذشت زمان و پیشرفت‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نیازهای جامعه نیز لباس جدیدی به تن نموده و متحول شده است، به گونه‌ای که رفع آنها با روش‌های سنتی گذشته دشوار یا غیرممکن بوده و در شأن و متناسب با جامعه امروزی نیست و نه‌تنها گاهی کارایی لازم را ندارد، بلکه حس خیرخواهی واقف را نیز به‌طور کامل ارضا نمی‌کند.

علیرغم اینکه نهادهای مشابه وقف در اسلام در کشورهای پیشرفته جهان همچون سایر نهادهای اجتماعی متناسب با تغییرات متحول شده و با کارایی قابل‌توجهی شکل گرفته تا موجب جهش‌های پیشرفتی اجتماعی، فرهنگی و علمی بیشتر و مؤثرتر باشد، اما متأسفانه در

۱. به‌عنوان مثال، نهاد تراست (Trust) در نظام حقوقی کامن لا کارکردی شبیه وقف در فقه و حقوق ما دارد و بر اساس آن کنوانسیون تراست لاهه در سال ۱۹۸۵ شکل گرفته و کشورهایی از نظام حقوقی رومی ژرمنی که چنین ساختاری در قوانین خود نداشته‌اند با پیوستن به این کنوانسیون خود را از آثار مثبت آن بهره‌مند نموده‌اند. تعریف تراست در این کشورها عبارتست از رابطه‌ای که از این طریق مالک مالکیت مال خود را به‌نفع برخی اشخاص که خود نیز ممکن است از آنها باشد یا برای اهدافی که مورد تأیید قانون باشد نگه می‌دارد، در این صورت منافع به‌دست آمده از مال به منتفعان یا سایر افراد ذینفع تعلق خواهد گرفت (بارکر و پدفیلد، ۱۳۸۷).

۲. به گفته محققان نامدارترین دانشگاه‌ها در جهان امروز، مانند دانشگاه هاروارد و آکسفورد موقوفه هستند (فزیع، ۱۳۸۶).

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-24]

کشورهای اسلامی نهاد وقف در عین اهمیت آن در فقه اسلامی و دارا بودن ظرفیت‌های به‌کارگیری در بخش‌های مختلف تولیدی، خدماتی، بازرگانی، صنعتی و غیره متناسب با نیازهای روز هنوز به پیشرفت و کارایی لازم نرسیده است.

یکی از جلوه‌های برقراری تناسب میان اهداف وقف با پیشرفت‌های علمی روز را می‌توان در استفاده از وقف در جهت تجاری‌سازی دانش و فناوری بازخوانی نمود؛ یعنی علاوه بر وقف املاک به‌عنوان کلاس درس، مدرسه و دانشگاه یا برای پرداخت شهریه طلاب و دانشجویان و مخارج تحصیل آنها از منافع املاک که راه سنتی است و وقف در جهت ارتقای دانش بشر و جامعه می‌پیماید گامی نو تعریف و ترویج کنیم تا چرخه تولید دانش و فناوری را با کمک وقف تکمیل نموده و به ظهور و بروز کامل رسانیم.

مقاله حاضر برای تحقق این هدف نگاشته شده است و در جهت اثبات امکان استفاده از نهاد وقف در جهت تجاری‌سازی دانش و فناوری بر اساس مبانی فقهی و آثار مثبت آن و ارائه الگوی عملیاتی در این زمینه است تا مقدمات فرهنگ‌سازی و جهت‌دهی واقفین در این راستا را فراهم آورد. با وجود تحقیقات و مطالعات متعددی که در خصوص ظرفیت وقف و امکان صورت دادن وقف‌های جدید و متناسب با پیشرفت‌ها و تغییرات روز از جمله وقف پول یا وقف سهام در سال‌های اخیر مطرح و انجام شده است تاکنون محققین در خصوص امکان استفاده از نهاد وقف در جهت تجاری‌سازی دانش و فناوری تحقیقی را منتشر ننموده‌اند، در نتیجه پیگیری لازم در جهت تبلیغ و تحقق اهداف تحقیق ضروری می‌نماید.

۲. مفهوم وقف در جهت تجاری‌سازی دانش و فناوری

در راستای بررسی وقف در جهت تجاری‌سازی دانش و فناوری ناگزیر از تعریف وقف و بیان برخی احکام و مسائل آن در حد ضرورت و اختصار و تعریف تجاری‌سازی دانش و فناوری هستیم.

۲-۱. شناخت وقف

آنچه از نهاد وقف در اسلام برای بررسی امکان استفاده از آن در تجاری‌سازی دانش و فناوری و ارائه الگویی کارامد در این زمینه مورد نیاز است تعریف وقف و بیان برخی انواع و شرایط آن است که در ادامه بیان خواهد شد:

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-24]

– تعریف وقف: وقف در لغت به‌معنای ایستادن، نگهداشتن، توقف، به حالت ایستاده ماندن و آرام گرفتن، حبس کردن و منحصر کردن چیزی برای استفاده کسی است (دهخدا، ۱۳۷۷ و ابن‌منظور، ۱۴۲۱۰).

در اصطلاح نیز تعریف مشهور وقف در فقه تحبیس العین (الاصل) و تسبیل (الاطلاق) المنفعه (موسوی‌خمینی، ۱۳۷۸، شیخ‌طوسی، ۱۳۸۷ و مکی‌العاملی، ۱۳۸۳) می‌باشد که بر اساس آن ماده (۵۵) قانون مدنی وقف را چنین تعریف می‌کند: وقف عبارتست از اینکه عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود. حبس در این تعریف به‌معنای ممنوع کردن نقل و انتقال یا تصرفاتی است که موجب تلف عین می‌شود و بر اساس نظر فقها برای تحقق عنوان وقف می‌بایست دائمی باشد (شهیدثانی، ۱۴۱۴). تسبیل نیز به‌معنای اباحه هرگونه تصرف و استفاده از منافع برای موقوف است (فاضل‌مقداد، ۱۴۰۴).

– انواع وقف: به اعتبارهای مختلفی می‌توان وقف را دسته‌بندی نمود که از مشهورترین آنها تقسیم وقف به اعتبار موقوف علیهم به وقف خاص (وقف بر شخص یا اشخاص مانند وقف بر اولاد) و وقف عام (وقف بر جهات و مصلحت عموم مانند وقف مسجد و مدرسه و وقف بر عناوین عامه مانند وقف بر فقرا و دانشجویان) است (موسوی‌خمینی، ۱۳۷۸ و سلیمی‌فر، ۱۳۷۰).

وقف به اعتبار نوع استفاده از موقوفه به وقف انتفاع (مقصود از این نوع وقف کسب درآمد مادی نیست و از آن با عنوان اصول وقف یاد می‌کنند مانند احداث مسجد و حسینیه در زمین ملکی خود یا در زمین موات) و وقف منفعت (مقصود از این نوع وقف کسب درآمد مادی است برای هزینه چیزی دیگر مانند وقف دکان برای اداره مسجد، بیمارستان یا مدرسه) تقسیم می‌شود (سلیمی‌فر، ۱۳۷۰).

– ارکان وقف: وقف دارای ارکانی است که عبارتند از صیغه وقف (آنچه واقف با آن اراداه خویش در وقف را ابراز می‌دارد)، واقف (شخصی که بخشی از اموال خود را جهت وقف اختصاص می‌دهد و شرط است که کامل یعنی بالغ، عاقل، مختار و غیرمحجور و مالک باشد)، موقوف علیه (یا موقوف علیهم افرادی هستند که منافع مال موقوفه برای آنها درنظر گرفته شده است) و عین موقوفه (یا مال موقوفه عین محبوسه‌ای است که احکام وقف بر آن جاری می‌شود و شرط است که عین باشد؛ یعنی وقف دین منفعت و مال مبهم صحیح نیست و می‌بایست انتفاع از

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-24]

مال موقوفه با بقای عین آن ممکن باشد تفاوتی ندارد که این مال منقول باشد یا غیرمنقول، مشاع و شریکی باشد یا مفروز و می‌بایست این عین در ملکیت واقف بوده و قبض آن برای موقوف علیه ممکن باشد) (امامی، ۱۳۷۷ و موسوی‌خمینی، ۱۳۷۸).

– ماهیت وقف: بر اساس نظر فقهای امامیه و ماده (۶۱) قانون مدنی ایران پس از تحقق قبض وقف عقدی لازم است و واقف نمی‌تواند از آن رجوع کند یا در آن تغییری دهد یا از موقوف علیهم کسی را خارج کند یا کسی را داخل در موقوف علیهم نماید یا منفعت مقصود در وقف را تغییر دهد و حتی اگر در ضمن عقد وقف چنین اختیاراتی را برای خود شرط کرده باشد شرط باطل می‌شود (نجفی، ۱۳۶۸).

– ملکیت وقف: پس از تحقق وقف مالکیت واقف بر عین موقوفه زائل می‌شود، اما در اینکه این مالکیت به چه کسی منتقل می‌شود میان فقهای امامیه اختلاف‌نظر وجود دارد. برخی موقوف علیهم را مالک آن می‌دانند و برخی قائل به تفصیل شده در وقف خاص موقوف علیهم و در وقف عام خداوند متعال را مالک می‌دانند (حائری‌یزدی، ۱۳۸۰). بر اساس ماده (۳) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳ مال موقوفه خود شخصیت حقوقی می‌یابد و به هیچ‌یک از واقف و موقوف علیهم تعلق ندارد (کاتوزیان، ۱۳۷۹).

– اداره موقوفه: اداره مال موقوفه یا در اصطلاح تولیت آن برعهده شخصی است که واقف در وقفنامه مشخص نموده باشد که می‌تواند این مهم را برای خود یا افراد دیگر به‌صورت فردی یا حتی جمعی قرار دهد، اما در صورتی‌که واقف در ضمن عقد وقف متولی را مشخص نکرده باشد نمی‌تواند پس از آن نصب متولی کند،[1] در این صورت در اینکه سرپرست و متولی مال موقوفه چه کسی باشد بین فقها اختلاف‌نظر وجود دارد. شیخ‌طوسی در این خصوص دو نظر را ذکر می‌کند: نخست اینکه حق نظارت متعلق به حاکم باشد و دیگر اینکه حق نظارت متعلق به موقوف علیهم است (شیخ‌طوسی، ۱۳۸۷).

امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله قائل به تفصیل شده‌اند و در اوقاف عامه ولایت را از آن حاکم می‌دانند و در اوقاف خاصه نیز در خصوص آنچه در خصوص مصلحت وقف، تعمیر و حفظ اصول و اجاره وقف برای بطون لاحقه است متولی را حاکم می‌دانند، اما در خصوص منفعت بردن و

۱. ماده (۷۵) قانون مدنی

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-24]

اصلاحات جزئی که حصول منفعت بر آن متوقف است متولی وقف را موقوف علیهم موجود می‌دانند (موسوی‌خمینی، ۱۳۷۸). در این خصوص قانون مدنی در ماده (۸۱) تکلیف را روشن نموده و در صورتی‌که واقف متولی معین نکرده باشد در وقف عام اداره موقوفه را به ولی فقیه سپرده است، اما در موقوفات خاصه برابر بند "۱" ماده (۱) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳تنها در صورتی‌که مصلحت وقف و بطون لاحقه یا رفع اختلافات موقوف علیهم متوقف بر دخالت ولی‌فقیه باشد به‌وسیله این سازمان اداره می‌شود.

۲-۲. تعریف تجاری‌سازی دانش و فناوی

تجاری‌سازی به‌معنای تبدیل نتایج پژوهش به فرآورده‌ها، خدمات و فرایندهایی است که می‌توانند موضوع معاملات تجاری باشند و بر کاربردی نمودن نتایج پژوهش و ارزش‌آفرینی اقتصادی آنها تأکید دارد. به عبارت ساده، تجاری‌سازی فرایند تبدیل فناوری‌های جدید به محصولات موفق تجاری است (محمودپور، رحیمیان، عباس‌پور و دلاور، ۱۳۹۱).

در واقع، تجاری‌سازی شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌هاست که قادر به کسب و تملک ایده‌های تجاری‌سازی فناوری به مرحله رشد رساندن آنها با دانش مکمل، توسعه فناوری تحقق‌یافته تحقیقاتی، ساخت نمونه اولیه با استفاده از فناوری‌های جدید، توسعه فرایند ساخت و تولید کالاهای قابل فروش جدید، عرضه محصول به بازار، ایجاد موقعیت فروش و زیرساخت‌های جدید است (یداللهی‌فارسی و کلاتهایی، ۱۳۹۱ و متین و محمدی‌زاده، ۱۳۹۲).

۲-۳. وقف در جهت تجاری‌سازی دانش و فناوری

با شناختی که از مفهوم وقف و تجاری‌سازی دانش و فناوری ارائه گردید روشن است که وقف در جهت تجاری‌سازی به این معناست که واقف عین معینی از اموال خود را که دارای شرایط وقف باشد از مالکیت خود خارج کند و منافع آن را با هدف استفاده در مسیر تبدیل دانش و فناوری به تولید ثروت در راه خدا واگذار نماید. وی می‌تواند در حین عقد وقف جهت استفاده از عین موقوفه را استفاده در مسیر مطلق تجاری‌سازی دانش و فناوری تعیین کند یا دانش و فناوری خاصی مانند تولید داروها، تولید مواد پتروشیمی یا هر چیز دیگر را به‌طور خاص معین کند. موقوف علیهم در این قرارداد می‌تواند به دو صورت خاص و عام تصور شود.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-24]

– وقف خاص در جهت تجاری‌سازی دانش و فناوری: در صورت نخست که موقوف علیهم در عقد وقف خاص باشند وقف نیز به‌تبع آن وقف خاص نامیده خواهد شد و موقوف علیهمی که واقف می‌تواند منافع حاصل از وقف را به آنها اختصاص دهد می‌توانند هر یک از دو گروه زیر باشند:

گروه نخست اینکه موقوف علیهم در عقد وقف صاحب دانش و محققی خاص یا فلان مؤسسه عرضه‌کننده دانش در نظر گرفته شوند تا در نهایت تمام عایدات تجاری‌سازی به این شخص یا اشخاص خاص اختصاص یابد.

گروه دوم اینکه موقوف علیهم در عقد وقف افراد خاص دیگری بجز صاحبان دانش و فناوری و محققان و مؤسسات عرضه‌کننده دانش باشند. به‌عنوان مثال، موقوف علیهم که منافع مادی این وقف به آنها اختصاص یافته فرزندان شخص واقف باشند، اما باید توجه داشت این فرزندان تنها مجاز به استفاده از مال موقوفه در جهت تجاری‌سازی دانش و فناوری می‌باشند. به عبارت دیگر، این موقوف علیهم شریک صاحبان دانش و فناوری و محققانی هستند که از این عین موقوفه در جهت تجاری‌سازی دانش و فناوری خود بهره می‌گیرند و تنها راه بهره‌برداری موقوف علیهم از منافع عین موقوفه شراکت آنها با صاحبان دانش و در جهت تجاری‌سازی دانش آنهاست.

اگر در صحت چنین وقفی به‌دلیل مشارکتی بودن آن تردید شود می‌بایست در رفع این تردید متذکر شویم. همانطور که پیش از این نیز در شناخت وقف بیان شد از نظر فقه و قانون مدنی (موسوی‌خمینی، ۱۳۷۸ و ماده ۵۸ قانون مدنی) بالاتر از مسئله موردنظر یعنی وقف مال مشاعی نیز صحیح می‌باشد، همچنین واقف تا پیش از عقد وقف مالک عین موقوفه است و می‌تواند به هر نحو و با هر شرطی که بخواهد آن را وقف نماید. در واقع، همانطور که صحیح است فردی خانه‌ای را که تنها نیمی از آن در ملکیت اوست برای فرزندانش با این شرایط وقف کند که آنها به‌صورت مستقیم امکان استفاده از منفعت خانه را نداشته باشند، بلکه موظف به بستن قرارداد اجاره با شخصی غیرمعین یا حتی فرد و گروهی خاص شوند و منافع حاصل از اجاره ملک به آنها تعلق گیرد در مسئله موردنظر نیز صحیح است، موقوف علیهم بر اساس هدفگذاری تعیین‌شده از سوی واقف در عقد وقف موظف به بستن قرارداد شرکت با صاحبان دانش و فناوری شوند تا عین موقوفه و بعضاً درآمد حاصل از آن مانند اجاره‌بهای ملک، فروش میوه‌های باغ یا درآمد کارخانه و غیره در جهت تجاری‌سازی محصول دانش و فناوری به‌کار گرفته شود

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-24]

و موقوف علیهم در منافع حاصل از این تجاری‌سازی با صاحبان دانش بر اساس عقد شرکت بسته‌شده شریک شوند.

– وقف عام در جهت تجاری‌سازی دانش و فناوری: موقوف علیهم در این صورت نیز می‌توانند هر یک از گروه‌های زیر در نظر گرفته شوند:

گروه نخست اینکه موقوف علیهم در عقد وقف، صاحبان دانش و فناوری و محققان و مؤسسات عرضه‌کننده دانش به‌صورت عام در نظر گرفته شوند تا هر صاحب فناوری بتواند از این موقوفه در جهت تجاری‌سازی دانش و فناوری خود بهره گیرد و در نهایت تمام عایدات تجاری‌سازی نیز به خود این افراد استفاده‌کننده اختصاص یابد. به این نوع وقف عام وقف بر عنوان عام اطلاق می‌شود که در اینجا صاحبان دانش و فناوری هستند. البته برخی از این وقف به وقف برای طبقه خاصی از مردم تعبیر نموده‌اند و آن را در زمره وقف خاص تلقی می‌کنند، اما با توجه به تعاریفی که از وقف بر عنوان عام و مصادیق آن مانند وقف بر فقرا یا وقف بر دانشجویان و طلاب ارائه شده است وقف بر عنوان محققین نیز وقف بر عنوان عام است که هر محقق و صاحب دانشی مصداق آن خواهد بود.

گروه دوم اینکه موقوف علیهم در عقد وقف به‌عنوان عامی بجز خود صاحبان دانش و فناوری تعلق گیرد. به‌عنوان مثال، جهت وقف از سوی واقف استفاده در تجاری‌سازی دانش داروسازی تعیین شود و موقوف علیهم آن بیماران نیازمند داروهای تولیدی قرار داده شوند. در این صورت مانند آنچه در گروه دوم موقوف علیهم وقف خاص بیان شد موقوف علیهم با عنوان عام با صاحبان دانش و فناوری شریک می‌شوند و درآمدهای حاصل از تجاری‌سازی دانش به نسبتی که در عقد شرکت (می‌تواند توافق با مدیر یا تولیت وقف سپرده شود) توافق می‌شود بین صاحبان دانش و فناوری و موقوف علیهم تقسیم می‌شود. این امر در مثال فوق می‌تواند به این صورت لحاظ شود که سهم موقوف علیهم از قیمت دارو که مورد نیاز درمانی آنهاست کسر شود.

تذکر این مطلب ضروری است که هر جا سخن از انعقاد عقد شرکت میان موقوف علیهم عام با صاحبان دانش و فناوری باشد، این امر در صورتی‌که واقف شخصی را به‌عنوان مسئول آن معرفی نکرده باشد برعهده متولی و مدیر وقف خواهد بود، همچنین واقف می‌تواند در این موارد در ضمن عقد وقف حداقل‌هایی را برای نسبت شراکت موقوف علیهم وصاحبان دانش و فناوری

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-24]

در این قراردادها معین کند یا تصمیم‌گیری در مورد آن را به‌طور کامل به امین یا ناظر یا متولی یا حتی به عرف سپارد.

گروه سوم اینکه وقف در جهت تجاری‌سازی دانش و فناوری و در جهت مصلحت عموم به‌طور مطلق منعقد گردد، در نتیجه موقوف علیهم آن عموم مردم خواهند بود.

در این صورت نیز نیازمند انعقاد عقد شرکت از سوی متولیان وقف با صاحبان دانش و فناوری هستیم و سهم سود حاصل از تجاری‌سازی که به عموم تعلق می‌گیرد می‌تواند از قیمت کالا به‌نفع عموم کسر شود یا از آنجا که عقد وقف در چنین صورتی از ابتدا به‌صورت وقف منفعت منعقد شده است منافع آن از سوی واقف در حین عقد وقف برای مصرف در مورد عام‌المنفعه خاصی در نظر گرفته شود.

مجدد متذکر می‌شویم که در چنین صورتی استفاده از عین موقوفه در جهت اهداف دیگر بجز هدف واقف که استفاده در جهت تجاری‌سازی دانش و فناوری است ممکن نبوده و خلاف نیت واقف تلقی می‌شود.

۳. مبانی فقهی وقف در جهت تجاری‌سازی دانش و فناوری

می‌توان به‌عنوان بیان مبنای جواز وقف در جهت تجاری‌سازی به دلایل زیر تمسک نمود:

۳-۱. عدم وجود منافی در پیوند میان ماهیت وقف و تجاری‌سازی دانش و فناوری

وقف در جهت تجاری‌سازی دانش فناوری به‌طور کلی می‌تواند در چارچوب و ضوابط شرعی و قانونی وقف در اسلام و حقوق مدنی ایران که منبعث از آرای فقهای شیعه است تصور شود و منطبق با ملاک‌ها و شرایط صحت عقد وقف در شرع و قانون منعقد گردد. در واقع، عقد وقفی که در جهت تجاری‌سازی دانش و فناوری به یکی از صورت‌هایی که پیش از این در این مقاله معرفی گردید منعقد شده باشد. به‌طور کلی و در صورت عدم نقض سایر مسائلی که رعایت آن در شرع و قانون الزامی است هیچ منافاتی با هیچ‌یک از شرایط اساسی صحت وقف در فقه شیعه و حقوق ایران ندارد.

در واقع، مهم‌ترین مسئله در بررسی مبنای فقهی و حقوقی و مسئله موردنظر ما این است که بدانیم بر اساس مبانی فقهی و قانون مدنی چنانچه پیش از این اشاره شد واقف در ضمن عقد

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-24]

وقف می‌تواند به هر نحو با هر شرط و در هر جهت مشروعی[۱] ملک خود را وقف نماید (امامی، ۱۳۷۷). توضیح هر یک از قیود جهت مشروع به هر نحو و هر شرط در این مسئله برای روشن شدن مطلب ضروری است که در مورد هر یک از آنها توضیح مختصری در ذیل ارائه خواهد شد:

– مشروعیت جهت عقد وقفی که در جهت تجاری‌سازی دانش و فناوری است: در واقع، جهت معامله در حقوق ایران عبارتست از غرض و هدف اصلی که معامله‌کننده از عقد قرارداد داشته است (صفایی، ۱۳۹۲) و در مورد بحث ما هدف و غرض اصلی واقف که همان جهت وقف نامیده می‌شود تجاری‌سازی دانش و فناوری است که واقف به‌منظور دستیابی به هدف خود در ضمن عقد وقف به آن تصریح می‌نماید. بر اساس ماده (۲۱۷) قانون مدنی که از فقه امامیه گرفته شده است، اگر جهت در معامله تصریح شده باشد می‌بایست مشروع باشد در غیر این صورت معامله باطل خواهد بود و تجاری‌سازی دانش فناوری به خودی خود امری نامشروع تلقی نمی‌گردد تا وقف در جهت آن باطل باشد. البته اگر به‌عنوانی ثانوی تجاری‌سازی دانش خاصی نامشروع باشد وقفی که به‌طور خاص برای تجاری‌سازی آن دانش صورت گرفته باشد باطل خواهد بود. به‌عنوان مثال، اگر هدف واقف تجاری‌سازی کالایی حاصل از فناوری جدید باشد که با هدف و در جهت ضرر به انسان‌ها خلق و تولید شده است یا ثابت شود که برای مصرف‌کنندگان و افرادی که در معرض آن هستند ضرر دارد، با توجه به قاعده لاضرر[۲] نامشروع بوده و وقف در جهت آن صحیح نخواهد بود (محقق‌داماد، ۱۳۸۷).

– بنای عقلا مبنای گستردگی موضوع وقف: نیکو بودن عمل وقف و به‌عبارتی صدقات جاریه امری عقلایی است و به این دلیل عقلای عالم فردی را که اقدام به چنین عملی می‌کند در تمام اعصار و قرون و در تمام نقاط جهان ستایش می‌کنند. از آنجا که بیشتر مستندات وقف در روایات نیز تنها بر پسندیده بودن آن دلالت دارند (نمازی‌فر و هندی‌زاده، ۱۳۹۲)، برخی فقها برای وقف حقیقت شرعیه‌ای قائل نیستند و آن را امر عقلایی و مستند بر حکم عقل می‌دانند که در واقع شارع ما را به آن ارشاد نموده است. به‌عنوان مثال، امام خمینی (ره) در کتاب البیع در

۱. بر اساس ماده (۲۱۷) قانون مدنی که مقرر می‌دارد در معامله لازم نیست که جهت آن تصریح شود؛ اما اگر تصریح شده باشد می‌بایست مشروع باشد در غیر این صورت معامله باطل خواهد بود.

۲. قاعده فقهی لاضرر از مشهورترین قواعد فقهی است که در اغلب ابواب فقه به آن استناد می‌شود و مستند بسیاری از مسائل فقهی است و مهم‌ترین مستند آن روایتی از رسول اکرم (ص) با مضمون لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام می‌باشد.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-24]

این مورد می‌نویسند: برای وقف حقیقت شرعیه‌ای وجود ندارد بلکه وقف امر عقلایی است که میان پیروان ادیان و شاید نزد غیر پیروان ادیان متعارف و مرسوم می باشد (موسوی‌خمینی، ۱۴۱۰). از این رو موضوع وقف به گستردگی آنچه عقلای عالم در هر مکان و زمانی آن را پسندیده بدانند خواهد بود به شرطی که منطبق با شرایط عامه صحت عمل در شرع و شرایط کلی تصریح شده از سوی شارع در باب وقف برای ارکان آن باشد و شارع از آن منع نکرده باشد. به این دلیل و بر اساس قاعده سلطنت[1] فقها معتقدند واقف می‌تواند به هر نحو ملک خود را وقف نماید (محقق‌داماد، ۱۳۸۷). ضمن اینکه برخی محققین برای اثبات این مطلب به برخی روایات از جمله روایتی از امام حسن عسگری (ع) که می‌فرمایند: الوقوف تکون علی حسب ما یوقفها اهلها (صدوق، ۱۴۰۴) نیز استناد نموده‌اند که اشکالاتی دارد (طباطبایی، ۱۳۹۲).

حال وقف در جهت تجاری‌سازی نه‌تنها می‌تواند منطبق با شرایط عام شرعی و قانونی صحت معاملات منعقد شود، بلکه مورد تأیید عقلای عالم نیز می‌باشد و به صرف شاید عدم ذکر و استفاده از چنین وقفی در گذشته و عدم اشاره به آن در متون فقهی نمی‌توان آن را از لحاظ شرعی ممنوع دانست.

– شروط صحیح ضمن عقد وقف: در عالم حقوق گاهی شرط به‌معنای توافقی است که افراد ضمن عقدی می‌کنند. چنین شروطی از نظر فقه و قانون مدنی به دو دسته شروط صحیح و باطل تقسیم می‌شوند. اصل بر این است هر شرطی که ضمن عقد صحیحی آورده شود صحیح است مگر اینکه قانونگذار آن را باطل شناخته باشد. شروط باطل نیز بر اساس مواد (۲۳۲) و (۲۳۳) قانون مدنی به شروط غیرمفسد عقد و شروط مفسد عقد تقسیم می‌شوند که دسته اول شامل شرط غیرمقدور، شرط بی‌فایده و شرط نامشروع است و دسته دوم شرط خلاف مقتضای عقد و شرط مجهولی که موجب جهل به عوضین شود را در بر می‌گیرد. بر این اساس واقف نیز بنا بر اصل می‌تواند ضمن عقد وقف هر شرطی که از نظر شرع و قانون باطل نباشد را بیاورد از جمله واقف می‌تواند شرط کند که موقوف علیهم خاص عین موقوفه یا منافع آن را تنها در راستای تجاری‌سازی دانش و فناوری به‌کار گیرند یا به‌طور کلی در وقف عام شرط کند که عین موقوفه و منافع آن در این راستا مورد استفاده قرارگیرد، همچنین واقف می‌تواند در ضمن عقد وقف هر شرط

۱. مفاد قاعده سلطنت این است که هر مالکی نسبت به مال خود تسلط کامل دارد و می‌تواند در آن هرگونه تصرفی اعم از مادی و حقوقی کند مگر اینکه به موجب دلیل شرعی خلاف آن ثابت گردد.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-24]

دیگر صحیحی مانند چگونگی تعیین یا میزان نسبت تقسیم سود میان موقوف علیهم و صاحبان دانش را در موردی که باید میان آنها عقد شرکتی بسته شود شرط کند.

۳-۲. احیای سنت وقف و سیاست توسعه موقوفات در اسلام

تطبیق و برقراری تناسب میان احکام شرعی با پیشرفت‌های روز تأثیر بسزایی در ترغیب افراد مختلف جامعه با هر درجه از پایبندی به شرع به اجرای احکام شرعی دارد. از سویی، با توجه به گستردگی دایره موضوع وقف در اسلام می‌توان نتیجه گرفت که سیاست شارع بر توسعه حداکثری استفاده از حکم وقف به‌عنوان کاری خیر و خداپسندانه و قابل بقا دائمی در راستای تحقق عدالت اجتماعی و برای رسیدن به جامعه آرمانی است. طرح وقف در جهت تجاری‌سازی دانش و فناوری میان خیرین می‌تواند نشان‌دهنده وجود تناسب میان احکام شرعی اسلام به‌عنوان دین خاتم با تمام زمان‌ها و مکان‌ها حداقل در حوزه حکم وقف بوده و مشوق بسیاری از خیرین نواندیشی باشد که مترصدند اموال خود را در جهاتی که هرچه بیشتر برای پیشرفت جامعه خود و حتی بشر مؤثر باشد مصرف کنند. ضمن اینکه در برخی صورت‌هایی که برای وقف در جهت تجاری‌سازی دانش متصور است و در این مقاله به آنها اشاره شد چنین وقفی می‌تواند ضمن کمک به توسعه اقتصادی جامعه از طریق فراهم آوردن بسترهای تبدیل دانش به کالای مورد نیاز جامعه تا حدودی منافعی را برای موقوف علیهم به‌طور خاص فراهم آورد که در برخی موارد موقوف علیهمی که این سود به آنها تعلق می‌گیرد بعضاً می‌توانند خانواده خود واقف در نظر گرفته شوند. از این جهت وقف در جهت تجاری‌سازی دانش با شرایط ویژه‌ای که از آن برخوردار است می‌تواند زمینه جدیدی را در جهت احیای سنت حسنه وقف ایجاد نماید و موجب توسعه در موقوفات گردد که سیاستی در جهت تحقق تعاون اجتماعی و عدالت اجتماعی خواهد بود.

٤. آثار وقف در جهت تجاری‌سازی دانش و فناوری

برای وقفی که در جهت تجاری‌سازی دانش و فناوری ایجاد شود آثار مثبت متعدد اقتصادی و اجتماعی را می‌توان برشمرد:

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-24]

٤-١. گامی در جهت تحقق عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی به‌عنوان یکی از ارکان اقتصاد اسلامی است و آنگونه که شهید صدر در کتاب اقتصاد آن را تبیین می‌کنند یکی از پایه‌های تحقق آن مبتنی بر اصل تکافل و همیاری است (صدر، ۱۴۰۸). اصل تکافل به‌معنای کفیل یکدیگر شدن و منبعث از اصل مسئولیت است که پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته. این حدیث به‌خوبی مؤید آن است که درک مفهوم مسئولیت متقابل در ذات و جوهره تعالیم اسلامی وجود دارد و عدالت اجتماعی بدون آن تحقق نمی‌پذیرد.

به‌طور قطع، وقفی که در جهت تجاری‌سازی دانش و فناوری از سوی واقفی مسئول و با هدف همیاری و حمایت مالی صاحبان دانش در تبدیل دانش آنها به محصول انبوه مورد نیاز جامعه تحقق می‌یابد مصداق بارز درک مسئولیت متقابل در اجتماع بوده و به‌نوعی پرداخت هزینه‌هایی است که گامی بزرگ در جهت تحقق عدالت اجتماعی خواهد بود.

٤-٢. کمک به توسعه و رشد اقتصادی کشور

وقف که در واقع نهادی برخاسته از فقه و حقوق است می‌تواند در راستای اهداف نهادهای مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ایفای نقش کند. از سوی دیگر، تجاری‌سازی دانش را به سرمایه تبدیل و باعث توسعه اقتصادی می‌شود. حال وقفی که در جهت استفاده برای تجاری‌سازی دانش و فناوری ایجاد شده است با توجه به خدماتی که در بخش تولید ارائه خواهد نمود می‌تواند موجب تحولی عظیم در بنیان‌ها و نهادهای اقتصادی تولیدی و در پی آن صادراتی ایجاد کند که زمینه‌ساز توسعه و رشد اقتصادی کشور خواهد بود.

٤-٣. کمک به پیشرفت‌های علمی و رضایت‌مندی محققین

عقیده بر این است که تجاری‌سازی نوآوری در دانشگاه‌ها را تحریک نموده و افزایش می‌دهد (طالقانی، گودرزوند چگینی و پورمرادی، ۱۳۹۳). یک محقق و دانشمند زمانی بیشترین رضایت را از کار خود خواهد داشت که حاصل سال‌ها تلاش علمی خود را حداقل تأثیرگذار در سفره خود و خانواده‌اش و حداکثر تأثیرگذار در ارتقای سطح کیفی زندگی مردم در جامعه ببیند و این امر جز با تجاری‌سازی دانش و فناوری محقق نخواهد شد، در حالی‌که بسیاری از

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-24]

محققین به‌دلیل فقدان سرمایه برای تجاری‌سازی دانش خود یا از حداقل و حداکثر این موهبت بی‌بهره می‌مانند یا هر چند به جنبه‌هایی از آمال خود می‌رسند، اما سود حاصل از تجاری‌سازی دانش آنها به جیب سرمایه‌دارانی که در این راه زحمتی نکشیده‌اند سرازیر می‌شود. وقف در جهت تجاری‌سازی نه‌تنها می‌تواند این آرزوی محققین و دانشمندان را با سهولت بیشتری تحقق بخشد، بلکه مشوقی برای محققان برای تولید دانش با قابلیت‌های تجاری‌سازی خواهد بود.

٤-٤. ایجاد و افزایش سطح اشتغال

از دیگر دستاوردهای وقف در جهت تجاری‌سازی این است که با توجه به نیاز نیروی کار برای تبدیل دانش به محصولی که قابلیت استفاده تجاری داشته باشد این امر موجب ایجاد شغل‌های متعدد برای افراد جویای کار و رساندن نان به سفره افراد متعددی از این طریق است. به‌طور قطع، این موضوع و تبلیغ آن طبع خیرخواهانه واقفین را از هر وقف دیگری بیشتر سیراب نموده و مشوقی برای جهت‌دهی وقف آنها در این مسیر خواهد بود؛ زیرا در این نوع از وقف بجز موقوف علیهم منافعی قابل توجه برای شاغلین در این مسیر نیز فراهم خواهد آمد.

۵. الگوی عملیاتی و پیشنهادی در جهت تحقق وقف در تجاری‌سازی دانش و فناوری

دو گام مهم برای تحقق وقف در جهت تجاری‌سازی دانش و فناوری فرهنگ‌سازی و تهیه الگوها و پیشنهادهایی در قالب وقفنامه‌های قابل دسترس برای واقفین است که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

۵-۱. فرهنگ‌سازی

روشن است که وقف در جهت تجاری‌سازی از لحاظ شرعی و قانونی قابل اجراست و کارایی تحقق و اجرا به‌صورت‌های مختلف را دارد که می‌تواند نظرات بسیاری از واقفین را به خود جلب نموده و به منویات خیرخواهانه آنها جامه عمل بپوشاند. عدم آگاهی عموم از این موضوع نخستین سدی است که در مسیر نیل به تحقق این مهم می‌بایست از میان برداشته شود و به‌عنوان نخستین گام در جهت عملیاتی نمودن و تحقق وقف در جهت تجاری‌سازی دانش و فناوری فرهنگ‌سازی در این زمینه با پیشنهادات زیر می‌بایست صورت گیرد:

- تبلیغات در جهت آگاهی و تشویق مردم و هدایت آنها به‌سوی وقف تجاری‌سازی دانش و فناوری: یکی از راه‌های گسترش فرهنگ وقف در جهت تجاری‌سازی دانش و فناوری پس از بیدار نمودن

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-24]

باورهای دینی مردم و حس دیگرخواهی و همکاری و تکافل در جامعه افزایش آگاهی مردم در زمینه وقف به‌ویژه وقف در جهت تجاری‌سازی، انواع، منافع و آثار آن برای پیشرفت جامعه و برطرف نمودن نیازهای آن است. مؤلفه‌های نامبرده در صورت تحقق می‌توانند انگیزه ایجاد نموده یا انگیزه‌ها را در جهت این نوع وقف جهت‌دهی نموده و در نهایت عملی کنند. در این زمینه ضمن تهیه جزوه‌های تبلیغی و استفاده از نشریات و روزنامه‌ها باید صدا و سیما و حتی سازندگان فیلم و نویسندگان فیلمنامه‌ها را از شرایط و آثار مثبت آن آگاه نموده و به ساختن آثاری در جهت نشان دادن آنها به عموم تشویق نمود.

– حمایت قانونی از واقفان و اوقاف در جهت تجاری‌سازی دانش و فناوری: لازم است برای تشویق واقفین نه‌تنها قوانین کنونی وقف به‌طور واضح شرح داده شود، بلکه قوانین جدیدی برای ارائه معافیت‌ها و تسهیلات بیشتر برای واقفین و موقوفه‌های جدید به تصویب برسند. در این خصوص مهم‌ترین قوانین، قوانین مالیاتی هستند که می‌توانند با ارائه معافیت‌های بیشتر به جلب سرمایه‌ها به‌صورت وقف در جهت تجاری‌سازی کمک کنند.

۵-۲. الگوی پیشنهادی در قالب وقفنامه

وقفنامه سند وقف است که توسط واقف تهیه و تکمیل می‌شود و می‌تواند شامل تمام اطلاعات مربوط به وقف باشد و نیات واقف در تمام زمینه‌های مربوط به وقف در آن منعکس می‌شود. در راستای ترویج و جهت‌دهی واقفین برای اقدام به وقف در جهت تجاری‌سازی پس از فرهنگ‌سازی در این زمینه آنچه می‌تواند موجب تشویق بیشتر باشد تسهیل امر وقف با آماده‌سازی الگوی اولیه و خام یک وقفنامه در جهت تجاری‌سازی و در نظر گرفتن تمام نکات مهم فقهی و حقوقی در آن است که موجب می‌شود واقف با احساس آرامش و اطمینان از کامل بودن و در نظر گرفتن تمام شرایط و جوانب و نکات لازم برای اداره موقوفه رغبت بیشتری به انجام هرچه سریع‌تر وقف داشته باشد. به‌عنوان مثال، می‌توان الگویی حاوی اطلاعات و تذکرات مورد نیاز واقف به‌ترتیب زیر ارائه نمود:

– واقف: ابتدای وقفنامه در نخستین بخش نام واقف و مشخصات کامل او آورده می‌شود، همچنین به‌طور معمول قید می‌گردد که وی در زمان وقف در نهایت اعتدال مزاج و سلامت

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-24]

احوال بوده و با دارا بودن شرایط واقف اعم از کمال و عدم محجوریت با کمال رغبت باطنی اقدام به این کار نموده است.

– موقوفه: در این بخش از وقفنامه مشخصات کامل اموالی که واقف مالک آنها را وقف نموده است آورده می‌شود.

– موقوف علیهم: به‌طور معمول در بخش سوم وقفنامه نام و اسامی یا مشخصات و ویژگی‌های فرد یا افرادی که واقف قصد دارد از مال موقوفه منتفع شوند آورده می‌شود. در وقف در جهت تجاری‌سازی دانش و فناوری موقوف علیهم می‌توانند فرد یا افرادی خاص بجز صاحبان دانش و فناوری یا خود محققین و صاحبان دانش و فناوری در نظر گرفته شوند؛ همچنانکه موقوف علیهم می‌تواند افراد دارای عنوانی عام یا عموم مردم در نظر گرفته شوند.

– هدف یا اهداف وقف و تعیین جهت استفاده آن: در این بخش هدف یا اهداف وقف و موارد استعمال عایدات وقف که مدنظر واقف است بیان می‌گردد. نکته قابل توجه اینکه اگر وقفنامه وقف را محدود به استفاده در امری خاص نماید ممکن است با گذشت زمان و تغییر نیازهای جامعه و تغییر ابزارهای به‌کار گرفته شده اجرای وقفنامه با اشکال مواجه شود، در حالی‌که در زمینه‌های دیگر نیاز به پشتوانه مالی در جامعه محسوس باشد، بنابراین مطلوب است واقفین هدف و جهت استفاده از وقفنامه را حداقل به‌صورتی تنظیم نمایند که قابلیت در برگرفتن گستره وسیعی از فعالیت‌ها را حتی تحت موضوعی واحد داشته باشد یا چند اولویت را به‌ترتیب برای استفاده وقف مشخص نمایند (نمازی‌فر و هندی‌زاده، ۱۳۹۲).

در وقف در جهت تجاری‌سازی هدف می‌تواند استفاده در جهت تجاری‌سازی دانش و فناوری به‌طور عام یعنی به گونه‌ای در نظر گرفته شود که شامل تجاری‌سازی هر نوع دانش و فناوری باشد یا می‌تواند استفاده در جهت تجاری‌سازی نوع خاصی از دانش در نظر گرفته شود. به هر حال مطلوب است اولویت‌های دیگر نیز برای صورتی‌که امکان استفاده از وقف در این جهت نباشد پیش‌بینی گردد، همچنین اگر موقوف علیهم این وقف عموم باشند واقف می‌تواند برای عایدات حاصل از وقف در جهت تجاری‌سازی دانش و فناوری مورد مصرف خاصی را تعیین نماید تا این عایدات به‌نفع عموم در همان راه مشخص‌شده مصرف شوند.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-24]

– متولی و ناظر وقف: واقف می‌تواند متولی و مسئول اداره موقوفه را خود به شخصه تعیین نماید. واقف می‌تواند این امر را به خود، فرزندان یا شخص و اشخاص خاصی اختصاص دهد و میزان اجرت و دستمزد آنها را نیز مشخص نماید. در خصوص وقف در جهت تجاری‌سازی در مواردی که نیاز به انعقاد عقد شرکت یا صلح میان موقوف علیهم و صاحبان دانش و فناوری باشد واقف می‌تواند مسئولیت تعیین شرایط این قرارداد، فراهم آوردن بستر مناسب آن و در نهایت ارتباط و انعقاد عقد میان صاحبان دانش و فناوری و موقوف علیهم را برعهده متولی یا هر شخص دیگری واگذار نماید تا در مواقع لزوم در این زمینه اعمال‌نظر نموده و از پیش آمدن هرگونه خلل و مشکلی میان موقوف علیهم و صاحبان دانش جلوگیری کرده و در موارد خاص در راستای حل اختلاف تصمیم‌گیری نماید.

– شروط و توضیحات: اگر واقف شرط یا توضیحی در خصوص استفاده موقوفه داشته باشد و بخواهد در مورد مسائل مرتبط با وقف اظهارنظر نماید در این بخش بیان می‌کند. به‌عنوان مثال، می‌تواند در خصوص عقد شرکت یا صلحی که در برخی موارد نیاز است میان موقوف علیهم و صاحبان سهام منعقد گردد اظهارنظر نموده و شرایط آن را مشخص کند (نمونه این الگو را می‌توان در وقف‌های دیگر نیز مورد استفاده قرار داد) (مصباحی‌مقدم و شکری، ۱۳۸۶–۱۳۸۵).

٦. نتیجه‌گیری

– یکی از جلوه‌های برقراری تناسب میان اهداف وقف با پیشرفت‌های علمی روز را می‌توان در استفاده از وقف در جهت تجاری‌سازی دانش و فناوری معرفی نمود.

– وقف در جهت تجاری‌سازی به این معناست که واقف عین معینی از اموال خود را که دارای شرایط وقف باشد از مالکیت خود خارج نماید و منافع آن را با هدف استفاده در مسیر تبدیل دانش و فناوری به تولید ثروت در راه خدا واگذار کند. وی می‌تواند در حین عقد وقف جهت استفاده از عین موقوفه را استفاده در مسیر تجاری‌سازی دانش و فناوری تعیین کند.

– وقف در جهت تجاری‌سازی دانش و فناوری می‌تواند در چارچوب و ضوابط شرعی و قانونی وقف در اسلام و حقوق مدنی ایران تصور شود و منطبق با ملاک‌ها و شرایط صحت عقد وقف در شرع و قانون منعقد گردد. در واقع، عقد وقفی که در جهت تجاری‌سازی دانش و

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-24]

فناوری منعقد شده باشد و در صورت عدم نقض سایر مسائلی که رعایت آن در شرع و قانون الزامی می‌باشد هیچ منافاتی با هیچ‌یک از شرایط اساسی صحت وقف در فقه شیعه و حقوق ایران ندارد.

– برای وقف در جهت تجاری‌سازی می‌توان انواع و صورت‌های مختلفی را بر اساس تعیین دانشی که تجاری‌سازی آن موردنظر واقف است و بر اساس موقوف علیهم وقف به صورت‌های عام و خاص در نظر گرفت.

– در برخی صورت‌ها که برای وقف در جهت تجاری‌سازی متصور است انعقاد عقدی دیگر مانند شرکت و صلح میان موقوف علیهم و صاحبان دانش و فناوری ضروری است.

– به‌دلیل تنوع صورت‌هایی که می‌توان وقف در جهت تجاری‌سازی را در قالب آنها منعقد نمود این نوع وقف می‌تواند سلایق خیرین متعددی را تأمین نموده و آنها را به امر وقف در جهت تجاری‌سازی تشویق کند.

– طرح وقف در جهت تجاری‌سازی دانش و فناوری میان خیرین می‌تواند نشان‌دهنده وجود تناسب میان احکام شرعی اسلام به‌عنوان دین خاتم با تمام زمان‌ها و مکان‌ها حداقل در حوزه حکم وقف بوده و مشوق بسیاری از خیرین نواندیشی باشد که مترصدند اموال خود را در جهاتی که هر چه بیشتر برای پیشرفت جامعه خود و حتی بشر مؤثر باشد مصرف کنند.

– وقف در جهت تجاری‌سازی دانش با شرایط ویژه‌ای که از آن برخوردار است می‌تواند زمینه جدیدی را در جهت احیای سنت حسنه وقف ایجاد کند و موجب توسعه در موقوفات گردد.

– وقفی که در جهت تجاری‌سازی دانش و فناوری از سوی واقفی مسئول و با هدف همیاری و حمایت مالی صاحبان دانش در تبدیل دانش آنها به محصول انبوه مورد نیاز جامعه تحقق می‌یابد مصداق بارز درک مسئولیت متقابل در اجتماع بوده و به‌نوعی پرداخت هزینه‌هایی است که گامی بزرگ در جهت تحقق عدالت اجتماعی خواهد بود.

– وقف در جهت تجاری‌سازی نوآوری در دانشگاه‌ها را تحریک نموده و افزایش می‌دهد و رضایتمندی محققین را در پی خواهد داشت.

– با توجه به نیاز نیروی کار برای تبدیل دانش به محصولی که قابلیت استفاده تجاری داشته باشد این امر موجب ایجاد شغل‌های متعدد برای افراد جویای کار و رساندن نان به سفره افراد متعددی از این طریق است. به‌طور قطع، این موضوع و تبلیغ آن طبع خیرخواهانه واقفین را از هر

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-24]

وقف دیگری بیشتر سیراب نموده و مشوقی برای جهت‌دهی وقف آنها در این مسیر خواهد بود، زیرا در این نوع از وقف بجز موقوف علیهم منافعی قابل توجه برای شاغلین در این مسیر نیز فراهم خواهدآمد.

- برای تحقق وقف در جهت تجاری‌سازی دانش و فناوری می‌بایست ابتدا اقدام به فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی در مورد آن نمود، سپس الگوها و پیشنهادهایی را در قالب وقفنامه‌های قابل دسترس برای واقفین تهیه نمود.

منابع

ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۴۲۱۰)، *لسان العرب*، ج ۹، بیروت: دار صادر، ص ۳۵۹.

امامی، سیدحسن (۱۳۷۷)، *حقوق مدنی*، ج ۱، تهران: کتابفروشی اسلامیه، صص ۸۳-۷۳.

بارکر، دیوید و کولین پدفیلد (۱۳۸۷)، *تراست*، ترجمه اسماعیل اصغری، تهران: نشر میزان.

حائری‌یزدی، محمدحسن (۱۳۸۰)، *وقف در فقه اسلامی و نقش آن در شکوفایی اقتصاد اسلامی*، ج ۱، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، صص ۲۴۴ و ۲۴۵.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، *لغتنامه دهخدا*، ج ۱۵ ، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، ص ۲۳۲۲۶.

سلیمی‌فر، مصطفی (۱۳۷۰)، *نگاهی به وقف و آثار اقتصادی و اجتماعی آن*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ص ۱۵.

شهیدثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۴)، *مسالک الافهام*، ج ۵، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ص ۳۰۹.

شیخ‌طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷)، *المبسوط فی فقه الامامیه*، ج ۳، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، چاپ ۳، ص ۲۸۶.

صدر، سید محمدباقر (۱۴۰۸)، *اقتصادنا*، مجمع الشهید الصدر العلمی و الثقافی، چاپ ۲، ص ۷۰۸.

صدوق، محمد بن بابویه (۱۴۰۴)، *من لا یحضره الفقیه*، ج ۴، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ص ۲۳۷.

صفایی، سیدحسن (۱۳۹۲)، *دوره مقدماتی حقوق مدنی-قواعد عمومی قراردادها*، ج ۲، تهران: نشر میزان، چاپ ۱۷، ص ۱۳۸.

طالقانی، محمد، گودرزوندچگینی، مهرداد و بهاره پورمرادی (۱۳۹۳)، "تبیین مدل ساختاری تأثیر ویژگی‌های فناوری بر تجاری‌سازی فناوری از دیدگاه مدیران شرکت‌های دانش‌بنیان"، *فصلنامه رشد فناوری*، سال ۱۰، شماره ۳۸، ص ۵۶.

طباطبایی، سیدصادق (۱۳۹۲)، "بررسی فقهی وقف پول"، *مجله فقه و اصول*، سال ۲۰، شماره ۷۵، صص ۱۳۵-۱۰۷.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-24]

فاضل‌مقداد، مقداد بن عبدالله سیوری (۱۴۰۴)، *التنقیح الرائع لمختصر الشرایع*، ج ۲، قم: مکتبه آیت‌الله مرعشی، چاپ اول، ص ۳۰۰.

فزیع، انور (۱۳۸۶)، *ساختار وقف در جهان اسلام*، ترجمه صادق عبادی، تهران: اسوه، چاپ اول.

قانون مدنی.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹)، *قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی*، تهران: نشر دادگستر، ص ۵۷.

متین، آیدا و شادی محمدی‌زاده (۱۳۹۲)، "مروری بر مدل‌های خطی تجاری‌سازی"، *فصلنامه رشد فناوری*، سال ۹، شماره ۳۶، ص ۵۲ و ۵۳.

محقق‌داماد، سیدمصطفی (۱۳۸۷)، *قواعد فقه-بخش مدنی*، ج ۱، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ ۱۷، صص ۱۶۲-۱۳۱.

محمودپور، بختیار، رحیمیان، حمید، عباس‌پور، عباس و علی دلاور (۱۳۹۱)، "بازشناسی چالش‌های فرآوری تجاری‌سازی پژوهش‌های مدیریت آموزشی با ارائه نظریه زمینه‌ای"، *فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، سال ۳، شماره ۳، صص ۱ و ۲.

مصباحی‌مقدم، غلامرضا و صابر شکری (۱۳۸۶-۱۳۸۵)، "وقف سهام از نظر فقهی و ارائه الگوی مالی"، *مدیریت- چشم‌انداز مدیریت بازرگانی*، شماره‌های ۲۱ و ۲۲، صص ۱۸۴-۱۵۷.

مکی‌العاملی، شمس‌الدین محمد (شهید اول) (۱۳۸۳)، *لمعه دمشقیه*، ج ۱، قم: انتشارات دارالفکر، چاپ ۲۳، ص ۱۹۴.

موسوی‌خمینی، سید روح‌الله (۱۴۱۰)، *کتاب البیع*، ج ۳، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ ۴، ص ۸۱.

موسوی‌خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸)، *تحریرالوسیله*، ج ۲، قم: انتشارات دارالعلم، چاپ ۸، صص ۶۲ و ۸۴.

نجفی، محمدحسن (۱۳۶۸)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، ج ۲۸ ، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ص ۱۳.

نمازی‌فر، حسین و حکیمه‌السادات هندی‌زاده (۱۳۹۲)، "بررسی وقف پول با رویکردی بر آرای امام خمینی (س)"، *پژوهشنامه متین*، سال ۱۵، شماره ۶۱، صص ۱۴۷ و ۱۴۸.

یداللهی‌فارسی، جهانگیر و زهرا کلاتهایی (۱۳۹۱)، "جایگاه تجاری‌سازی در مدیریت نوآوری و معرفی مدل‌های تجاری‌سازی در حوزه صنایع پیشرفته"، *فصلنامه رشد فناوری*، سال ۹، شماره ۳۳، ص ۲۷.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-24]